

معیارهای عمومی شایستگی و برتری نیروی انسانی در مدیریت اسلامی

نوشته مهندس مهدی طیب

چکیده

در مدیریت منابع انسانی، اموری چون تعیین معیار گزینش داوطلبان استخدام در سازمان، تعیین اهداف آموزش کارکنان، و تعیین معیار انتخاب شایسته‌ترین افراد جهت عهده‌دار شدن مسئولیتها و مدیریتها، ایجاب می‌کند که ویژگیهای فرد شایسته از دیدگاه سازمان تعریف و شناخته شود. این ویژگیها بخشی به دانش و تواناییهای تخصصی فرد باز می‌گردد و برخی دیگر به ویژگیها و خصایل انسانی او.

آنچه در این مقاله مطالعه خواهید کرد، حاصل تلاش نویسنده با بهره‌گیری از قرآن کریم و احادیث معصومین، برای تهیه فهرستی از عناوین ویژگیها و خصایل برجسته انسانی از دیدگاه اسلام است و طی آن محسنات و امتیازات انسانی از دیدگاه اسلام در ۹ بخش اصلی، تحت عناوین حُسن ظاهر، کمالات وجودی، عقاید حقه، بینش‌های الهی، روحيات معنوی، خصوصیات مثبت شخصیتی، فضیلت‌های اخلاقی، حُسن اظهار و حُسن رفتار طبقه‌بندی شده است. آخرین بخش، حُسن رفتار است که به ۶ حوزه فرعی تقسیم می‌شود که عبارت است از حُسن رفتار در پیشگاه خداوند متعال، با دیگر انسانها، با محیط زیست و منابع و موجودات طبیعت، با ساخته‌های دست و اندیشه بشر، با موجودات ماوراء الطبیعه و با خود.

مقدمه

در تأمین نیروی انسانی مورد نیاز سازمانها، آموزش جایگاه ویژه‌ای دارد. آموزش نیروی انسانی به منظور ایجاد شایستگیها و تواناییهای لازم برای کارکنان هر سازمان، برنامه‌ریزی و اجرا می‌شود. در برنامه‌ریزی آموزش، یکی از مهمترین مسائل، آگاهی به شایستگیها و تواناییهایی است

که باید از رهگذر آموزش در کارکنان ایجاد گردد. در این زمینه شناخت شایستگیهای مورد نظر سازمان ضرورت دارد. در مدیریت اسلامی شایستگیهای مورد نظر، همان محسناتی است که اسلام وجود آنها را موجب کمال و برتری انسان نسبت به دیگر موجودات دانسته است. حکما و متکلمان اسلامی معنای عدالت را «دادن

از دیدگاه اسلام مُحسنات انسان را به حوزه‌های زیر می‌توان طبقه‌بندی کرد:

۱- حُسن ظاهر: داشتن ظاهر نیکو و جذّاب، خواه ناشی از خصوصیات خداداد باشد و خواه ویژگی‌هایی که به انتخاب خود فرد حاصل شده باشد، یکی از وجوه امتیاز انسان به شمار می‌آید.

زیبایی، ملاحظت، تناسب چهره و پیکر، نظافت و خوشبویی، پیراستگی و سادگی و میانه روی در آرایش و پوشش؛ انگشت نما نساختن خود به سبب هیئت ظاهری؛ عدم خودآرایی و جلوه‌فروشی و طنّازی و خودنمایی برای جلب توجه و جذب دیگران، وجوه مختلف حُسن ظاهر است.

بخشی از این امتیاز اکتسابی است و برخوردار شدن از آن به توجّه و اهتمام فرد وابسته است.

۲- کمالات وجودی: وجه دیگر امتیازات انسان از یک سو عبارت است از سلامت تن و روان، نیرومندی روح و جسم، شادابی و سرزندگی، خستگی‌ناپذیر و پرتوان بودن، مرد عمل، پر تحرک و تلاشگر بودن، پیگیر و مصمم بودن، قوت اراده و عدم تزلزل و وسواس، هوشمندی و ذکاوت و تیزفهمی و سرعت انتقال داشتن، ذهن فعّال داشتن و جوّال الفکر بودن، قوت حافظه، قدرت روحی نفوذ در دیگران. از سوی دیگر برخورداری از علم و دانش در عرصه‌های گوناگون اعم از علوم محض، علوم تجربی، علوم انسانی، علوم فنی، علوم عقلی و فلسفی، علوم دینی، و داشتن مهارت عملی در فنون و حرفه‌های مختلف نیز از محسنات وجودی به شمار می‌آید. از دیگر سو زیبایی دوستی و برخورداری از ذوق و سلیقه و استعداد هنری؛ و در نهایت بهره‌مندی از معارف شهودی و قدرتهای روحی نیز از کمالات وجودی است.

این امتیازات برخی زمینه خداداد بیشتری دارند و نقش فرد، در تقویت و پرورش آنها ظاهر شده و برخی

حَق هر صاحب حَقّی به وی» و «قرار دادن هر چیز با توجه به ویژگیهای آن در مناسبترین موقعیت» دانسته‌اند. با توجه به این تعریف، برای عملی ساختن اصل عدالت در استخدام و انتصاب، باید معیارهایی در اختیار داشت تا بر اساس آنها افراد داوطلب استخدام در سازمان یا نامزد انتصاب در شغلی را با یکدیگر مقایسه کرد و از بین آنها برجسته‌ترین و شایسته‌ترین فرد یا افراد را تعیین کرد. این معیارها درانتصاب مدیران اهمیت ویژه‌ای دارند. آنچه تفوّق فرد را در مقام مدیر بر سایر کارکنان موجه می‌سازد و زمینه مقبولیت وی را در نزد آنان فراهم می‌آورد، امتیازاتی است که مدیر بر افراد اداره شونده دارد. از این رو باید اطمینان پیدا کرد که فرد انتخاب شده برای تصدی مسئولیت مدیریت، نسبت به کارکنان خود از شایستگی بیشتری برخوردار است.

بر اساس آنچه ذکر شد باید مشخص شود از دیدگاه اسلامی محسناتی که مصادیق عملی شایستگی و کمال فرد است و امتیازاتی که می‌توانند مبنای ترجیح فردی بر دیگران باشد چیست و با چه معیاری می‌توان فردی را شایسته و برتر از دیگران دانست.

در این نوشته بر آنیم فهرستی از ویژگیهای مزبور به دست دهیم. منبع تهیه این فهرست آیات قرآن کریم و احادیث معصومین صلوات الله علیهم اجمعین است. هریک از خصوصیات ذکر شده در این نوشته، مستند به منابع مذکور است که به منظور رعایت اختصار، از ذکر آنها خودداری شده است.

آنچه پس از تهیه این فهرست ضرورت دارد تبیین تفصیلی و جامع و مانع هر یک از ویژگیها، تعیین ارزش هر ویژگی نسبت به سایر ویژگیها، و در نهایت بیان شاخصهای قابل سنجش هر یک از ویژگیهای مزبور است. این سه کار مستلزم نوشته‌های مستقلی است و از حد یک مقاله فراتر است و باید در جزوه‌های جداگانه تنظیم و ارائه شود.

همه مقدمه این یقین است.

۵- روحیات معنوی: نیل به مرتبه یقین و

برخورداری از بینش‌های الهی و توحیدی، روحیاتی را در فرد پدید می‌آورند که عطر آنها فضای زندگی او را می‌آکند. این روحیات وجه دیگری از محسنات و امتیازات انسان از دیدگاه اسلام است. روحیاتی از قبیل قناعت، صبر، رضا و شکر، تسلیم، توکل، تفویض، حُب و عشق به خدا و انس و شوق به او و حزن دوری از او، خوف و رجاء، حیا و ادب در محضر الهی، عظمت خداوند در درون فرد و کوچک بودن هر چه جز اوست در نظر وی، یاد خدا و توجه مستمر به او، اخلاص، حُسن ظنّ و اعتماد به خدا و مقدرات و کارهای او، احساس عجز از ادای حق الهی در معرفت و طاعت و شکر، دین‌مداری در زندگی و غیرت دینی، آخرت‌گرایی و...

این امتیاز نیز از رهگذر مجاهدت و بندگی و تقویت اعتقادات و بینش توحیدی قابل اکتساب است.

۶- خصوصیات مثبت شخصیتی: که ناشی از بهره‌بردن از عقل و رهایی از بی‌خردی و سبک مغزی است و وجه دیگر امتیازات و محسنات انسان از دیدگاه اسلام است. ویژگیهایی که در زیر بر می‌شماریم از خصوصیات مثبت شخصیتی آدمی به شمار می‌آید:

فہیم و با شعور و خردمند بودن، درایت و پختگی، فکور و عمیق بودن و اندیشیده سخن گفتن و عمل کردن، مبتنی بر علم و عقل اقدام نمودن و از عمل به آنچه در مورد آن علم و اطلاع وجود ندارد و از شتاب ورزیدن در موارد شک پرهیز کردن؛ عاقبت اندیش و دور اندیش و دور نگر بودن؛ حقیقت‌خواه و حقیقت‌جو و حقیقت‌پذیر و عاری از تعصب جاهلانه بودن؛ استبداد رأی نداشتن و بی‌نیاز ندیدن خود از دانش و اندیشه دیگران؛ آنچه را خود نمی‌داند و به آن پی نبرده است نفی نکردن و نادرست نینگاشتن؛ عمیق و دقیق داوری کردن و تحت تأثیر

دیگر عمدتاً اکتسابی و بیشتر ثمره تلاش و مجاهدت فرد می‌باشد.

۳- عقاید حقّه: اعتقاد به جهان بینی الهی و عقاید اسلامی، چه در زمینه مبدأ و معاد، چه در عرصه نبوت و امامت و چه به لحاظ شناخت انسان، با تمام فروعات هر یک، امتیاز دیگری است که سبب رجحان فرد بر کسانی می‌شود که کلاً از آن محروم‌اند و یا در مراتب پایین‌تر، از آن برخوردارند.

این امتیاز اکتسابی است و فرد با طلب و تلاش و یاری خواستن از خداوند و اولیای او می‌تواند بر میزان برخورداری خود از آن بیفزاید.

۴- بینش‌های الهی: نیل به مرتبه یقین در عرصه باورهای الهی و نگرستن به همه مسائل انسان و جهان از آن منظر، از دیگر امتیازات انسان به شمار می‌آید.

شناخت و معرفت خدای متعال با تمام اسماء و صفاتش و یقین بر اینکه تنها کارگردان امور عالم هستی اوست و هر چه در عالم رخ می‌دهد مشیت الهیست و در جهت مصالح خلق مقدر شده، و هیچ کس جز او مالک نفع و ضرر و زیاده و نقصان در زندگی انسان نیست و نیز اعتقاد به اینکه آخرت اصل و دنیا فرع و گذرگاه است و هدف آفرینش، نیل انسان به خداگونگی و مظهر تام اسماء و صفات الهی شدن است و خداوند بشر را در قبضه خویش تحت مراقبت و پرورش و درمان قرار می‌دهد و در قالب آنچه در زندگی او رقم می‌زند و پدید می‌آورد با مهر و رحمت او را به سوی کمال و سعادت می‌برد و با قهر و غضب از محرومیت از کمال و سعادت و دچار شدن به انحطاط و بدبختی می‌ترساند و باز می‌دارد.

نیل انسان به این مزیت نیز اکتسابی است و فرد با تکرار و تلقین شفاهی و عملی این حقایق به خویش در طول زندگی، زمینه نیل خود به مرتبه یقین و برخورداری از بینش‌های الهی را فراهم می‌سازد. ذکر و طاعت و عبادت

با تفکر و نگاه عبرت اندوز داشتن؛ حکیم ناصح بودن و محضر و بیانی سازنده و تعالی بخش داشتن. این امتیازات با اراده و تلاش و ممارست، کسب و تقویت می‌شوند.

۷- فضیلت‌های اخلاقی: این گونه فضیلتها ناشی از

اعتماد و حُسن ظنّ به خدا و اهتمام به آخرت و رهایی از تبعات هوای نفس و محبت دنیا در تمامی وجوه آن اعم از پول‌پرستی، ریاست طلبی، شهوت پرستی، شکم‌پرستی، خودآرایی، و خودنمایی، تجمل پرستی و تشریفات‌گرایی، شهرت طلبی، راحت طلبی و تن پروری، عافیت طلبی، محافظه کاری و نظایر آن است.

فضیلت‌های اخلاقی وجه دیگری از محسنات و

امتیازات انسان از دیدگاه اسلام به شمار می‌آید. این فضیلتها عبارت است از عدالت و دادن حق به حقدار و لو به زیان خود، و اعتراف به حق پیش از آنکه در تنگنای شهادت دیگران ناچار به آن شود، و ستم نکردن به دیگران؛ شجاعت داشتن و در عین پرهیز خردمندانه از خطرها و تهوّر نابخردانه، ترسو نبودن و دلیرانه به میدان رویارویی شتافتن؛ سخاوت و بدون چشمداشت عوض و سپاس و با مراعات استحقاق و نیاز افراد، در حدی که خود تهیدست و درمانده و محتاج نشود، عطا و بخشش کردن و مبری بودن از بخل؛ باگذشت بودن و از خطا و لغزش دیگران چشمپوشی کردن و کینه توز و انتقامجو نبودن و در عین قدرت، بی‌منت و تحقیر، عفو کردن؛ رثوف و با عاطفه و رقیق‌القلب و دارای روحی لطیف بودن و عدم قساوت و سنگدلی؛ امین بودن و در حفظ امانت دقت و اهتمام ورزیدن و سستی و سهل‌انگاری نکردن و خیانت در امانت نمودن؛ طبع بلند داشتن و موفقیتها و پیش افتادهای دیگران را به راحتی پذیرفتن و به آنان حسد نورزیدن؛ پایداری بر پیمان و وفای به عهد و مبری بودن از خلف وعده و پیمان شکنی؛ با غیرت بودن و نسبت به تعرض دیگران به مقدسات و نوامیس خود بی‌تفاوت نبودن و با

صحنه‌سازیهای افراد قرار نگرفتن؛ دقیق‌النظر و موشکاف بودن؛ معتدل و حساب شده عمل کردن و دور بودن از افراط و تفریط و حساب نشده عمل کردن؛ داشتن متانت و وقار در عین عدم مهابت و تلخی و سبکی و جلفی؛ مؤدب بودن؛ به حالات و رفتار خود توجه داشتن و عدم غفلت و بی‌خبری، و سرمست و الکی خوش نبودن؛ واقع بینی و عدم خیالپردازی و آرزو پروری، تابع منطق و حکم عقل بودن، در باطل وارد و از حق خارج نشدن و از آنچه حقانیتش آشکار است صرف نظر نکردن؛ از امور و مسائل لغو و بیهوده و نامربوط اعراض کردن و ذهن و زبان و عمر را صرف آن نکردن؛ جانب احتیاط را مراعات نمودن و بی‌محابا دست به عمل نزدن؛ کم‌لغزش و کم‌خطا بودن؛ کار با استحکام کردن؛ نظم در امور داشتن؛ در کارهای درست سرعت داشتن و زمان را به هدر ندادن، عجول و شتابزده نبودن و آرامش و حوصله و صبوری داشتن؛ در نگرش به امور و قضایا دید مثبت داشتن و توجه خود را به دیدن خوبیها و زیباییهای هر چیز متمرکز کردن؛ با نگاه سرشار از امید و دور از یأس و بدبینی به کارها و به کل جریان زندگی نگریستن؛ علو همت داشتن و طالب بالاترین شایستگیها و بهترین کمالات بودن و فرومایه و دون همت نبودن؛ به نیکی‌ها علاقه و گرایش داشتن و از بدیها و زشتیها گریزان بودن؛ انتظار زیاد داشتن از خود و به کم از خویش راضی نشدن و نیکیهای خود را کم دیدن و کاستیهای خویش را مهم انگاشتن؛ نگران وضعیت معنوی و ارزشهای انسانی خود بودن؛ از تعریف دیگران مغرور نشدن و تحت تأثیر آن امر بر خود فرد مشتبه نشدن؛ کرامت نفس داشتن و خود را به پستیها نیالودن و به آن تن ندادن؛ پر ظرفیت و دارای روح بزرگ بودن و در برابر خطرها و نامایمات خود رانباختن و در موفقیتها و شادیهای خود را گم نکردن و در خشم و خشنودی و بیم و امید و شهوت و قدرت از مسیر حق و اعتدال بیرون نشدن و بر خویش مسلط بودن؛ سکوت توأم

داشتن و از حکومت شکم بیرون بودن؛ شهوتران و هرزه و هرجایی نبودن؛ نظر پاک بودن و چشم چران و هیز نبودن و...

این امتیازات از طریق رهایی از محبت دنیا به نیروی محبت خدا و چیره شدن بر نفس از رهگذر مقاومت در برابر تمنیات آن قابل اکتساب است.

۸- **حُسن اظهار:** حُسن اظهار فرد چه در گفتن و چه در نوشتن و چه در رفتار و حالات ظاهری، از نظر مکونات ابراز شده و از دید شیوه اظهار، وجه دیگری از امتیازات انسان از دیدگاه اسلام است.

صدق و یکرنگی به هنگام خوف یا امنیت و در معرض زیان یا سود، و مبری بودن از دروغ، دورویی، فریب، سالوس، دغل، تظاهر، ادعای خلاف واقع، و واجد و عامل بودن به آنچه دیگران را به آن می خوانند؛ جز در موقع و در حد ضرورت از کمالات خود دم نزنن و اظهار کمال نکردن و سر درون خویش را پوشیده داشتن و از شهرت و انگشت نما شدن پرهیز کردن و به گم بودن در جمع و گمنامی و خمول ذکر رغبت داشتن؛ واقع گویی و واقع نمایی و مبری بودن از بزرگنمایی، کوچک نمایی یا برخورد گزینشی و بیان بخشی از واقعیت؛ جز به ضرورت چیزی را اظهار و ابراز نکردن و شنیدن و خواندن را بر گفتن و نوشتن ترجیح دادن و بیشتر اوقات سکوت اختیار کردن و از پرگویی پرهیز نمودن به نحوی که حتی اگر فرد در سخن مغلوب شود در سکوت کسی بر او غلبه نکند؛ در مواقع ضرورت عقیده باطنی یا اطلاعات خود را کتمان کردن و تقیه نمودن؛ در آنجاکه بیان حقایق ضرورت دارد سکوت نکردن و حقایق را اظهار و مطرح کردن؛ سنجیده گویی و زبان و قلم را در کنترل عقل قرار دادن و سخن قرین صحت و صواب گفتن، جز آنچه فرد بدان علم و آگاهی کامل دارد نگفتن و نوشتن و از یاوه گویی و سخن نابخردانه گریز داشتن؛ در گفتگوها به تبادل اطلاعات و بیان و

همه توان به دفاع و حراست از آن برخاستن؛ نیکوکار و اهل خیر و پیشقدم در امور خیر بودن و نسبت به مشکلات دیگران بی توجه نبودن و شرور و مردم آزار نبودن؛ علاقه مند به ضعفا و محرومان و حامی و مدافع حقوق آنان بودن؛ سلطه جو، تفوق طلب، برتری جو و ریاست طلب نبودن؛ فروتن و افتاده و بی تکبر بودن و فخر فروش و خودپسند و پر مدعا و خودخواه و پر توقع نبودن؛ منیع الطبع و بلند نظر بودن و از مادیات به سادگی صرف نظر کردن؛ عزت نفس و استغنا از خلق داشتن و گدا صفت نبودن؛ انصاف و ورزیدن و عدم جانبداری از باطل و پایمال کردن حق؛ حلم و بردباری و چیره بودن بر خشم و فرو خوردن آن؛ نرمخو و ملایم بودن و تندخو و پرخاشگر نبودن و به این و آن نپزیدن؛ با رفق و نرمی رفتار کردن و تندی و بدرفتاری نکردن؛ با محبت و مهربان بودن و خشن و بی مهر نبودن؛ خالص و پاکدل و با صفا و سلیم النفس و بی غل و غش و بی آرایش بودن و نیرنگباز و حيله گر نبودن؛ وارستگی و از تعلقات و هر آنچه فرد را راکد و ثابت می سازد آزاد بودن؛ مملوک و در تسخیر مملوکات خود نبودن؛ آرامش روحی داشتن و در گرفتاری و راحتی حالتی یکسان داشتن و پریشان خاطر و آسیب سر یا سرمست و افسارگسیخته نبودن؛ با استقامت، پر تحمل و مقاوم بودن و در برابر سختیها و ناملایمات ناشکیبایی و اظهار عجز نکردن و متزلزل و سست نشدن و میدان را خالی نکردن؛ با وفا و حق شناس و شاکر بودن و نمک ناشناس و ناسپاس نبودن؛ بی سر و صدا و در گمنامی خدمت کردن را ترجیح دادن و متظاهر و شهرت طلب نبودن؛ خوش نفس و خیرخواه و خیراندیش بودن و بدخواه دیگران نبودن؛ ساده و بی پیرایه بودن و تجملگرا و تشریفات طلب نبودن؛ عقیف و پاکدامن و با ورع بودن و در برابر خواهشهای نفسانی مقاومت کردن و هوسران و خوشگذران و بی بندوبار و بی باک برزشتیها و پلیدیها نبودن؛ عفت بطن

دریافت حقایق پرداختن و از جدال و مرء حذر کردن؛ خوبها را دیدن و تمجید کردن و بدیها را پوشاندن و ابراز نکردن؛ در عین گرفتاری شاکی و گله گزار نبودن؛ سخن نرم و ملایم گفتن و درشتگو نبودن؛ عفت کلام داشتن و دشنامگو و نفرینگر و پرخاشگر و بد دهان نبودن؛ از دیگران به احترام نام بردن و یاد کردن و با لقب زشت کسی را نام نبردن و ننامیدن، لحن تحقیر آمیز و استهزا کننده نداشتن؛ تهمت زن و غیبتگر و سرزنشگر نبودن؛ با صدای آرام و لطیف سخن گفتن و فریاد گونه حرف نزدن؛ لحن دلنشین و صمیمی و محبت آمیز و دور از خشونت و تحکم داشتن؛ بذله گو و شیرین سخن و خوش محضر بودن؛ لطافت و زیبایی در تعبیرات و کلمات و حالات ظاهری و رفتار داشتن؛ سخنور و سخنگو بودن و گفتار و قلمی اعجاب انگیز و تحسین برانگیز داشتن؛ در عین اختصار و پرهیز از زیاده گوئی، بیان و قلمی رسا و روشن داشتن؛ چهره‌ای شاد و خندان و باز و بشاش داشتن و اندوه را در درون نگاه داشتن و عبوس و ترش رو نبودن؛ تبسم نمودن و صدا به قهقهه بلند نکردن و با تمام دهان نخندیدن؛ حرکات و رفتار تواضع آمیز داشتن و متکبرانه رفتار نکردن ...

این ویژگیها اکتسابی است و فرد برخوردار از فضیلت‌های اخلاقی می‌تواند با یادگیری و تمرین، واجد آنها شود.

۹- **حُسن رفتار:** روابط و رفتار فرد را می‌توان به شش حوزه کلی تقسیم کرد که عبارت است از رفتار فرد با خداوند متعال، با انسانها، با محیط زیست و منابع و موجودات طبیعت، با ساخته‌های دست و اندیشه بشر، با موجودات ماوراء الطبیعه، و در نهایت با خویشتن. هر یک از این حوزه‌های کلی از حوزه‌های کوچکتری تشکیل شده‌اند. حُسن رفتار فرد در هر یک از این حوزه‌ها از دیدگاه اسلام امتیازی است که فرد را بر سایرین برتری می‌بخشد.

الف) حُسن رفتار با خداوند متعال: مراعات ادب و شرط حضور در محضر حق و رعایت تقوی و اطاعت از اوامر و نواهی الهی، و کاهلی و سرپیچی نکردن در مورد آنها و رام و مطیع بودن در برابر تعالیم و احکام الهی و اهتمام به واجبات و اجتناب از معاصی، و تا حد میسر پرداختن به مستحبات و پرهیز از مکروهات و در حد رفع ضرورت و بدون قصد لذت جویی مبادرت نمودن به مباحات، و وقوف در شبهات و آنچه حلال و مجاز بودن آن قطعی نیست و مورد تردید است، و چشم پوشیدن و صرف نظر کردن از هر آنچه خدا حرام کرده است؛ اهتمام به انجام به موقع عبادات توأم با خشوع قلبی و توجه و حضور قلب و عشق و اخلاص، به ویژه به نماز، و حتی المقدور اول وقت و به جماعت گزاردن فرایض؛ اهتمام به روزه، حج و پرداخت خمس و زکات؛ در طول روز و حتی الامکان هنگام رفتن به بستر با وضو بودن؛ نام خدا را بسیار بر زبان جاری ساختن و حامد و تسبیحگوی او بودن و نعمتهای الهی را ابراز کردن و به مقتضای شکر آنها عمل کردن و ناسپاسی نمودن؛ در هر شبانه روز خصوصاً در دل شب و سحرگاهان زمانی را به خلوت و راز و نیاز و مناجات با خدا و تلاوت قرآن و دعا اختصاص دادن و با دلی محزون از فراق محبوب و قلبی نگران از روز موعود، به استقبال شب رفتن و در حالی که دیگران در خواب راحت‌اند به خلوت محبوب شتافتن و عاشقانه به مناجات با خدا و تلاوت قرآن پرداختن و به نماز ایستاده و در رکوع و سجود بودن و چهره بر خاک نهاده و با دیده‌گریان از خداوند بخشش و رهایی و توفیق دیدار طلب کردن.

ب) حُسن رفتار در رابطه با دیگر انسانها: در این حوزه از یک سو ویژگیهایی وجود دارد که ناظر بر حُسن معاشرت و رفتار با عموم مردم است، از سوی دیگر ویژگیهایی مطرح است که ناظر بر حُسن رفتار با هر یک از

اقتدار و طبقات خاص جامعه است.

از دیدگاه دینی و اعتقادی، رفتارهای فرد را به رفتار با انبیا، اولیا، اصفیا و اتقیا، مؤمنان ملتزم به احکام و شعایر دینی، فاسقان، مسلمانان پیرو سایر مذاهب، کافران و غیرمسلمانان و منافقان، می‌توان تقسیم کرد. از دیدگاه پیوندهای عاطفی و روابط شخصی نیز رفتارهای فرد را با پدر و مادر، فرزندان، همسر، خویشاوندان، دوستان، همسایگان، و از دیدگاه شغلی به رفتار با همکاران اعم از زبردستان، همترازان و زبردستان، مراجعان و مشتریان، و از دیدگاه فرهنگی و تربیتی به رفتار با مربیان روحی و علمای ربّانی، اساتید علمی و شاگردان، و از نظر علمی به رفتار با دانشمندان و فرهیختگان، دانش‌آموختگان و آگاهان، جاهلان و محرومان از دانش، و از نظر سیاسی به رفتار با رهبران و حاکمان اسلامی، مسئولان و مأموران دولتی، بغاة و یاغیان بر ضد حکومت اسلامی، ستمکاران و بیدادگران، حاکمان جائز و غیراسلامی، اقلیتهای دینی داخلی جامعه اسلامی، سایر کشورهای اسلامی، دولتهای غیر مسلمان غیر محارب، دولتهای محارب تقسیم نمود. از نظر تمکّن مالی نیز به رفتار با ثروتمندان، بی‌نیازان و محرومان، و از نظر توانایی‌های جسمی به رفتار با سالم‌ان و توانمندان، فرسودگان و از کارافتادگان، بیماران، معلولان جسمی و معلولان ذهنی می‌توان تقسیم کرد. از دیدگاه سنی به رفتار با کودکان، جوانان، میانسالان و کهنسالان، و از دیدگاه نیاز به سرپرست به رفتار با نیازمندان بی‌سرپرست همچون یتیمان و بیوه زنان، و بی‌نیازان می‌توان تقسیم کرد. از نظر نظامی و انقلابی می‌توان به رفتار با مجاهدان، قاعدان و فراریان از جهاد و مبارزه، و از نظر اخلاقی به رفتار با شایستگان و اهل فضیلت، تبهکاران و فاسدان و افراد متوسط و معمولی تقسیم کرد. تقسیمات دیگری نیز به اعتبارهای گوناگون می‌توان برای افراد جامعه بشری قایل شد.

حُسن رفتار فرد با هر یک از گروههای مزبور را

اسلام در قالب ویژگیهایی توصیف کرده است. فرد به اعتبار هر یک از تقسیم‌بندی‌های فوق عنوان خاصی می‌یابد. بنابراین در رفتار با هر فرد باید همه شئون و عناوینی که در وی جمع است مورد توجه بوده و رفتاری حاوی تمامی ویژگیهای توصیف شده برای تمامی آن شئون و عناوین با او انجام شود تا بتوان آن را از مصادیق حُسن رفتار با دیگر انسانها به شمار آورد.

به علت گستردگی و تنوع شقوق روابط با دیگر انسانها، حتی اشاره به رئوس ویژگیهایی که از دیدگاه اسلام حُسن رفتار تلقی می‌گردد از ظرفیت این مقاله خارج است و در نوشته‌های تفصیلی باید به آن پرداخت. از این رو در این بخش صرفاً به ذکر ویژگیهایی که جنبه عمومی دارد و کمتر به قشر و طبقه خاصی ناظر است، می‌پردازیم.

از سردانایی و آگاهی، خداخواهانه و در راستای محبّت به خاندان پیامبر ﷺ، به برادران ایمانی خود مهر ورزیدن و نسبت به آنها محبّت و علاقه نشان دادن؛ کناره‌گیر و انزوا طلب نبودن و از سر محبّت و صدق، نه نیرنگ و خدعه، به سوی دیگران رفتن و با آنان انس و الفت گرفتن؛ از کسانی که در مقام برقراری ارتباط با او هستند استقبال کردن؛ به هنگام مشاهده برادران ایمانی با صدایی رسا در سلام به آنان سبقت جستن؛ در راه حفظ کیان و انسجام جامعه ایمانی و احیای امر و ولایت با برادران دینی خود رفت و آمد داشتن، آنان را مهمان نمودن و به میهمانی آنها رفتن و با دادن هدیه محبّت خویش را به ایشان ابراز کردن؛ در مراد به دیگران آنها را در رودریاستی قرار ندادن و به تکلف و زحمت نیفکندن و بار گرانی بر دوش آنها نبودن؛ نسبت به برادران ایمانی خود حق برادری را به جا آوردن؛ متمرکز برخورد و در فکر نیازها و خواسته‌های خود و بی‌تفاوت و بی‌اعتنا به حال دیگران نبودن؛ از حال برادران ایمانی جويا شدن و نسبت به مشکلاتشان توجه داشتن و حسّاس بودن و با علاقه و نشاط در سر حد توان در پی

شمردن و ارج نهادن؛ و کار ناپسندشان را اندک دیدن و نادیده گرفتن؛ کارهای برادران دینی خود را تا سر حد ممکن حمل بر صحت نمودن، در پی عیب خلق نبودن و از روی بدگمانی و عیبجویی به تجسس در امور مردم نپرداختن و پیگیر زشتیها و عیوب دیگران نبودن و در مورد فرد زشتکار چنین اندیشیدن که چه بسا شرش آشکار و خیرش پنهان باشد؛ ستار بودن و سر دیگران را پوشاندن و عیوب آنها را فاش و برملا نساختن و پرده دری نکردن و افراد را به دلیل عیوبشان شماتت و نکوهش نکردن و برای آنچه امکان توجیه دارد آنان را سرزنش نکردن و امکان عذر آوردن به افراد دادن؛ از برادران ایمانی چه در حضور و چه در غیابشان به نیکی یاد کردن و در غیاب افراد حافظ آبروی آنها بودن و در سخن گفتن از ایشان تقوای الهی را مراعات کردن و به غیبت از آنها آلوده نشدن و اجازه غیبت از آنان به کسی ندادن؛ حقوق و حدود مال و ناموس و جان دیگران را مراعات نمودن و حریم آنها را حفظ کردن؛ به دیگران آزار نرساندن و با مردم به نحوی رفتار کردن که آنها خود را از دست و زبان او در امان ببینند و از جانب او نگرانی نداشته باشند و او را امین مال و جان خود بدانند، حقوق افراد را ادا کردن و چه در خشنودی و چه در خشم با دیگران به عدالت و انصاف رفتار کردن، در حق هیچ کس حتی دشمن ستم و بی‌انصافی نورزیدن و داوری ناحق نکردن.

بدی را با نیکی پاسخ دادن، کسی را که آزار رسانده آزار نکردن، کسی را که ستم روا داشته بخشیدن و کینه وی را به دل نگرفتن و در عین قدرت بر تلافی، عفو کردن، در برابر کسی که در حق او بخل ورزیده صبوری پیشه کردن، به کسی که حتی کوچکترین چیز را از او دریغ داشته بخشش نمودن، با کسی که با او قطع رابطه کرده ارتباط برقرار کردن. در برابر لغزش و خطای برادر دینی خود با عطف و رأفت رفتار نمودن و رعایت سابقه اخوت و دوستی را کردن و عذرخواهی افراد را به سهولت پذیرفتن و اگر بر اثر

کاستن و رفع آنها برآمدن، به هنگام نیاز برادران ایمانی خود، به نیکویی و با رویی خوش و بی‌منت به یاریشان شتافتن و از این کار احساس شادمانی و لذت کردن؛ وجودی سرشار از خیر و برکت داشتن، راحتی رسان به دیگران و نافع به حال خلق و در پی خدمت و گره‌گشایی و رفع حاجت دیگران بودن به نحوی که مردم در سختیها و گرفتاریها به یاری او امید داشته باشند و حضورش را آرزو کنند و به او روی آورند؛ درخواست کننده‌ای را رد نکردن و ناامید نساختن، یار ضعفا، یاور مظلومان، حامی و پناهگاه ستمدیدگان و محرومان، دادرس بیچارگان، پدر مهربان یتیمان، سرپرست بی‌کسان و شوی از دست دادگان، دوستدار و مهرورز به مستمندان، همنشین فقیران، پیجو و احوالپرس دردمندان و ناتوانان، اطعام کننده گرسنگان، عطا کننده به تهیدستان، عیادت کننده بیماران، تشییع کننده درگذشتگان و همدرد و تسلی بخش مصیبت دیدگان بودن؛ آنچه را خدا به او عطا کرده، منهای برادران ایمانی، به خود مختص نساختن و آنها را در بهره‌مندی از آن شریک ساختن و آنچه را فزون از نیاز است به دیگران بخشیدن و در صورت مشاهده نیازمندی رفع نیاز او را بر خود مقدم داشتن و در حالی که خود در تنگدستی و سختی قرار دارد در حق نیازمندان ایثار کردن؛ دست‌کسانی را که خواهان همراهی برای نیکی به خلق‌اند به گرمی فشردن و در مقام دعا و درخواست از خدا، رفع نیازها و حوائج سایرین را بر طلب حاجات خود مقدم داشتن.

خودستایی نکردن و به مداحان و چاپلوسان و متملقان میدان ندادن؛ دیگران را از خویشتن صالحتر شمردن و تلاش سایرین را خالصانه‌تر از تلاش خود دیدن؛ به برادران ایمانی خود حُسن ظن داشتن و توجه خویش را به جنبه‌های مثبت شخصیت آنان معطوف ساختن و از نقاط مثبت آنها تمجید نمودن و با در نظر داشتن نقاط قوت هر کس، در کار از او استفاده کردن، کار نیک دیگران را بزرگ

چنان در دشمنی غرق نشدن که بر اثر آن «خود» از حق منحرف شود؛ اگر دشمن حقی گفت آن را انکار نکردن و شهادت حق را از او دریغ نداشتن.

چون شمع فروزانی روشنی بخش محیط بودن، جاهلان را آگاهی، غافلان را هشیاری، نیازمندان به ارشاد را هدایت، طالبان مشورت را راهنمایی و موعظه پذیران را نصیحت ارزانی داشتن؛ دیگران را خیرخواهانه و نه از سر خودنمایی یا ارضای نفس، به نیکی فرا خواندن و از زشتی پرهیز دادن، با کژی سازگار نبودن و هیچ کز روی را اصلاح ناکرده رها نکردن؛ با اهل حق یار و یاور بودن.

در پی اصلاح ذات البین و آشتی دادن برادران ایمانی بودن؛ سخن رنجش آفرین یکی درباره دیگری را در دل نگاه داشتن، به نَمّامی و سعایت و سخن چینی آلوده نبودن و به نَمّامن و سخن چینان روی خوش ننمودن و میدان ندادن. سرّ نگهدار دیگران بودن و آن را به نزدیکترین کسان و دوستان بروز ندادن.

امتیازات ناظر بر حُسن رفتار فرد با دیگران، که تنها به گوشه کوچکی از جنبه‌های عمومی تر آن اشاره شد، اکتسابی است و فرد برخوردار از فضیلت‌های اخلاقی و خصوصیات مثبت شخصیتی، با مراقبت و کنترل عملکرد خود می‌تواند به آنها دست یابد.

ج) حُسن رفتار با محیط زیست و منابع و موجودات طبیعت: رفتار شایسته با حیوانات اهلی و غیراهلی، گیاهان، طبیعت بی‌جان، آب و هوا و... جنبه دیگری از حُسن رفتار انسان از دیدگاه اسلام است.

با وقوف به این حقیقت که منابع و امکانات طبیعی که در دسترس انسان قرار گرفته‌اند، امانت‌های الهی‌اند و به همه نسلها تعلق دارند و با شناخت ارزش حیاتی منابع و امکانات غالباً تجدیدناپذیر طبیعت، از آنها در مسیر مصالح واقعی خود و جامعه، بدان گونه که خداوند تعیین فرموده، به بهترین وجه استفاده و از اتلاف آنها پرهیز کردن و حقوق

خطایی گرفتار و مبتلا شدند زبان به شماتت آنان نگویند. در مصاحبت و مراودت با مردم به ملایمت و رفق و مدارا و سلم و صفا رفتار کردن، با مردم نرمخو بودن و با آنان درستی و سختگیری و از آنان نکته‌گیری نکردن و بر آنان آسان گرفتن و تساهل ورزیدن، در عین نرمی، اقتدار داشتن به نحوی که هیچ کس نرمی او را حمل بر ضعف و سستی نکند، زورگو و تحمیلگر نبودن و جز به رفق و مدارا چیزی از کسی نخواستن، از خلق طمع بردن و یأس اختیار کردن، خواسته خود را، کریمانه و بزرگووارانه و نه به زبونی و در یوزگی از دیگران طلبیدن و درد و مشکل را جز به کسی که در مورد شایستگی و توانایی او بر رفع آن اطمینان هست اظهار نکردن، در برابر کسی که لطف و خدمت نشان داده قدردان و سپاسگزار بودن، و نمکنانشناسی نکردن، برادران ایمانی خود را اکرام و احترام کردن و از توهین دیگران و استهزای آنان پرهیز نمودن؛ در برابر پرهیزکارتر و شایسته تر از خود تواضع نمودن و از این راه در نیکیها و فضیلتها به او ملحق شدن و به رتبه او نایل آمدن؛ با نیکان مجالست نمودن و از مصاحبت بدان و سفلگان پرهیزکردن. در دوستی صادق و صمیمی بودن و بر دوست حسد نورزیدن و در کارش مکر ننمودن؛ در راه خدا دوست گرفتن و در امری که موجب سخط الهیست با کسی دوستی نکردن و به خاطر دوست تن به گناه ندادن و در دوستی خود را هلاک نساختن؛ اهل جدل و در پی ایجاد درگیری و دعوا نبودن؛ تنها برای خدا و از سر حزم و دوراندیشی و برای زهد و پاکدامنی و نه از سر کبر و خود بزرگ بینی، از دیگران کناره گرفتن و بریدن، در راه خدا کافران و منافقان و بدکاران را دشمن داشتن و تنها در راه خدا بر آنان خشم گرفتن؛ یک لحظه از دشمن غافل نبودن؛ در برابر کافران و منافقان سر سخت و سازش ناپذیر بودن و پیش از به خاک مالیدن بینی آنها و ایمنی از سرّ ایشان دست از مقابله برنداشتن؛ در منازعه به زیبایی و نیکویی عمل کردن و

نینداختن؛ در جهت تکامل بخشیدن و ارتقای کیفی سخت افزارها و نرم افزارهایی که دیگران تولید می کنند و در اختیار می گذارند گام برداشتن و...

ه) **حُسن رفتار با موجودات ماوراء الطبیعه:** رفتار مناسب و شایسته با موجودات ماوراء الطبیعه ((مَلَك^(۱)) و جن^(۲)) با همه اصناف و طبقاتی که هر یک دارند، وجه دیگری از حُسن رفتار فرد از دیدگاه اسلام به شمار می رود. بر ملائکه الله صلوات و درود فرستادن و از خداوند برای آنها فضل و عنایت مسئلت نمودن و برای مؤمنان و صالحان جنّ دعا کردن و طالب توفیق و سعادت آنها شدن و از شرّ کافران و شریران جنّ به خدا پناه بردن و شکست و ناکامی آنها را در نیل به خواسته های پلیدشان از خدا خواستن.

و) **حُسن رفتار با خود:** آخرین وجه حُسن رفتار، ناظر است بر رفتار فرد با جسم و روح خود و نوع بهره برداری از سرمایه های وجودی و استعداد های ذاتی جسمی و روحی خود و رشد و پرورش آنها. به بهداشت و نظافت شخصی توجه داشتن و از آلودگی و اعتیاد پرهیز کردن، تا حد امکان از هوای سالم و محیط های آرام و کم سر و صدا استفاده کردن، از طبیعت

دیگر انسانها و سهم نسل های آینده را از این مواهب طبیعی مراعات کردن؛ از منابع غذایی و آب آشامیدنی مقتصدانه بهره جُستن و با توجه به ارزش این نعمت های الهی از اتلاف و اسراف آنها پرهیز کردن؛ به محیط زیست آسیب نرساندن و آب و هوا و زیستگاهها را نیالودن و در سالم و پاکیزه نگاه داشتن آنها اهتمام ورزیدن؛ با موجودات جاندار با رأفت رفتار کردن و جز در موارد تهدید حیات انسان و سلامت و آسایش او، متعرّض آنها نشدن و آنها را نیاززدن و از مأمّن خود نرانندن و از میان نبردن؛ مایحتاج زیستی حیوانات اهلی را که در تصرف اوست تأمین کردن و در حالی که از آنها در ایام شادابی و توانایشان استفاده کرده است، در روزگار کهولت و ناتوانی آنها را بی خوراک و مأمّن رها نکردن و...

د) **حُسن رفتار با مصنوعات و محصولات دست و اندیشه بشر:** رفتار شایسته فرد با کالاها، تجهیزات، وسایل، ابزارها، تأسیسات و ابنیه ای که در اختیار او قرار دارد و نیز با روشها، الگوها، مقررات، سازمانها و اطلاعات حاصل از تجربه و تدبّر انسان، جنبه دیگری از حُسن رفتار فرد از دیدگاه اسلام است.

با وقوف به ارزش معنوی دستاورد تنبّعات و تجربیات تاریخی بشر که در قالب کالا، وسیله، ابزار، بنا، یا روش، الگو، مقررات، سازمان و یا اطلاعات در اختیار آدمی قرار دارد و با توجه به این امر که صرف نظر از اینکه مالکیت آنها از نظر حقوقی به چه کسی تعلق دارد، هر یک سرمایه گرانبهایی متعلق به جامعه است، آنها را به طور صحیح و بر مبنای شناخت به کار گرفتن و به بهترین نحو مورد استفاده قرار دادن. به سبب عدم آگاهی و شناخت، سرمایه های جامعه را عاطل نگذاشتن و به علت نوظللی و تجددگرایی، چیزهایی را که هنوز مدتها قابل استفاده است کنار نهادن و با جاهلانه و بی رویه به کار گرفتن، آنها را پیش از موعد، مستهلک و فرسوده نکردن و از کارایی

۱- ملائکه الله فرمانبران معصوم و خطاناپذیر خداوند و اداره کنندگان امور عالم به فرمان حق متعال و مؤیدان و مدد رسانان بندگان مؤمن و شایسته خداوند در عرصه های گوناگون زندگی و دعا کنندگان و مغفرت طلبان از پیشگاه خداوند برای آنها هستند و واسطه رسیدن حیات روزی به تمامی موجودات و حاملان وحی و هدایت برای بشرند.

۲- جنّ موجودی است همچون انسان داری اختیار و اراده آزاد و برخوردار از عقل و نیروهای نفسانی، یعنی شهوات و غضب، و مأمور به تبعیت از انبیا الهی. پیکر جنّ از ماده ای لطیف همچون زبانه و هُرم آتش تشکیل شده که در وضعیت عادی برای بشر قابل رؤیت نیست، اما جنّ می تواند به اراده خویش پیکر خود را به هر شکل قابل رؤیتی که بخواهد تمثّل و تجسّم بخشد. اجنه همچون انسانها به مؤمن و کافر و صالح و فاسد تقسیم می شوند، ولی ظرفیت کمالی این موجود به پای انسان نمی رسد. جنّ و انسان هر یک در شرایطی می توانند دیگری را تحت تسخیر و کنترل خود در آورند.

پیش نهادن و به نیکان پیش از خویش اقتدا نمودن و هنگام توفیق در گام نهادن در مسیر هدایت و عمل صالح، احساس سرور و شادمانی کردن. پیوسته مراقب رفتار و گفتار و اندیشه و افکار و علایق و احساسات خود بودن و این سرمایه‌ها را جز در مسیر کمال و تعالی صرف نکردن و هرگاه به رغم مراقبت و کنترل نفس خطایی سر زد با شرمندگی و ندامت، خائف و ترسان، بی‌درنگ به توبه روی آوردن و از خداوند طلب مغفرت نمودن و با اندیشه‌های خام و خیالات باطل و طمع واهی، توبه را به تأخیر نیفکندن.

به جای تلف کردن عمر با مسائل و مطالب بیهوده و بحثها و قیل و قالهای بی‌فایده و پرداختن به اموری که به فرد ربطی و برای او ثمری ندارد و به جای دل مشغولی به مال و مقام و لذایذ دنیوی و اتلاف عمر در شئون دنیوی، به سازندگی و تعالی معنوی خویش اهتمام کردن و با محاسبه نفس و اعمال، به عیوب و نقایص خویش پی بردن و چنان سرگرم رفع آنها و کسب کمالات شدن و سر در کار تعالی و سعادت خویش داشتن که برای اطلاع جستن از امور و عیوب دیگران رغبت و فرصت نیافتن و در این راه از هیچ نصیحتی بی‌توجه نگذشتن و آن را عمل ناکرده نهادن.

با همه توان بر مخالفت با نفس قیام کردن و در برابر تمایلات نفسانی ایستادگی کردن و عنان کار از نفس باز ستاندن؛ در سخن و کلام و غذا و طعام و خواب و منام به حدّ ضرورت بسنده کردن و عمر خویش در این امور نباختن؛ در برابر رسوم و عادات جامعه بی‌چون و چرا تسلیم نشدن و با شهامت استقلال خود در عرصه عمل را حفظ کردن و به آنچه خلاف دین و سنن الهی و مغایر با فضایل و ارزشهای انسانی است تن ندادن.

پاک و آرام همچون کوه و دشت و جنگل بهره بردن، از غذای سالم و پاک و حلال استفاده کردن، نیازهای غریزی چون نیاز جنسی را از راه مشروع و در حدّ اعتدال تأمین کردن، در حدنیاز به خواب و استراحت پرداختن، به ورزش و تفریحات سالم پرداختن، در صورت ابتلا به بیماری به معالجه و درمان روی آوردن.

متین و آرام و بدون حرص و زیاده طلبی در عرصه‌های سازنده، مؤلد و مفید اقتصادی برای کسب روزی حلال، با شادی و نشاط به فعالیت پرداختن و از آلوده شدن به درآمدهای حرام و شبهه آلود به شدت پرهیز نمودن؛ در امر معیشت با برنامه‌ریزی حرکت کردن و در مصرف امکانات اندازه نگهداشتن و بی‌حساب عمل نکردن، در عین داشتن ثروت و امکانات مادی، کم مصرف و کم هزینه بودن و ساده زیستن و از امکانات دنیوی چون خوراک، پوشاک، مسکن، مرکب و... بدون لذتجویی و تنوع طلبی و خودنمایی، در حد ضرورت بهره گرفتن؛ در صورت ابتلا به فقر، صبر و شیکبایی و قناعت پیشه کردن و آبرومندانه و با عزّت نفس رفتار کردن.

سرزمین و جامعه‌ای را برای اقامت و زندگی برگزیدن که برای زندگی شایسته و رشد و اعتلای همه جانبه از همه مساعدتر و مناسبتر باشد؛ غافل نشدن از اهمیت سفر برای کسب علم و معرفت و اخذ تجربه و عبرت و در راه رشد معنوی و برای بهره‌گیری از فضاهای روحانی و اماکن دینی.

با اشتیاق در پی رشد فهم و آگاهی و کسب دانشی که برای نیل به سعادت مفید است بودن و در این راه از تلاش و طلب لحظه‌ای نیاسودن و خسته نشدن، برای به کار بستن و عمل کردن، نه خودنمایی یا سودجویی، در پی درک و دانش بیشتر بودن؛ تنها برای دانستن و فهمیدن، پرسیدن و سؤال کرد؛ علم خود را در بی‌راهه به کار نبستن. در راه هدایت و عمل صالح با نشاط و پرشتاب قدم

مؤخره

تربیتی اسلام را، که هر فرد باید ابتدا در صدد تحقق آن در خویش و سپس در دیگران باشد، به اجمال آشکار می‌سازد و از سوی دیگر همچون معیار و محکی، به هرکس که در برابر آن قرار گیرد، میزان نزدیکی به خصایل و ویژگیهای یک مسلمان حقیقی را می‌نمایاند. در نتیجه فرد با مطالعه این مجموعه و مقایسه ویژگیهای خود با آن، در می‌یابد که چه باید باشد و برای آن گونه بودن چه باید کسب کند. □

همانگونه که در طلیعه مقاله ذکر شد، آنچه در صدد بیان طبقه‌بندی شده آن بودیم فهرستی از عناوین محسنات و امتیازات انسانی از دیدگاه اسلام بود. گرچه این فهرست حاوی «آنچه خوبان همه دارند» می‌باشد و جز معصومان و شیعیان کامل آنان کمتر کسی توفیق برخورداری از تمامی کمالات مزبور را دارد، اما آگاهی بر آن از یک سو هدف

پی‌نوشتها

برای آگاهی بیشتر در زمینه محسنات و امتیازات انسانی از دیدگاه اسلام، علاوه بر قرآن کریم، نهج البلاغه امیرالمؤمنین علیه السلام، صحیفه سجّادیه امام زین العابدین علیه السلام و کتاب الایمان و الکفر اصول کافی ثقة الاسلام کلینی و مجلدات ۶۷ تا ۷۶ بحارالانوار علامه مجلسی که منابع اصلی تهیه مطالب این مقاله بوده‌اند، بهره‌گیری از منابع زیر توصیه می‌شود:

۱. مولی مهدی نراقی، علم اخلاق اسلامی، مجتبی، انتشارات حکمت.

۲. ملااحمد نراقی، معراج السعاده، مؤسسه مطبوعاتی حسینی.

۳. مولی محسن فیض کاشانی، حقایق، صاعدی، انتشارات اسلامیّه.

۴. مولی محسن فیض کاشانی، مُحجّة البیضاء، انتشارات جامعه مدرّسین حوزه علمیه قم.

۵. امام صادق علیه السلام، مصباح الشریعه، مصطفوی، انجمن اسلامی حکمت و فلسفه ایران.

۶. امام خمینی (ره)، چهل حدیث، مرکز نشر فرهنگی رجاء.

۷. حسن ابطحی، در محضر استاد، انتشارات علامه.

۸. ابراهیم امینی، خودسازی، انتشارات شفق.

۹. محمد شجاعی، مقالات، انتشارات سروش.

۱۰. مولی نظرعلی طالقانی، کاشف الاسرار، طبیب، مؤسسه فرهنگی رسا.

۱۱. طبرسی، مکارم الاخلاق، میرباقری، مطبوعاتی فراهانی.

۱۲. عبدالحسین دستغیب، قلب سلیم، دارالکتب الاسلامیه.